

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

فرستنده: بابک آزاد
۱۰ دسمبر ۲۰۱۳

ماندلا، از "عقاب" توده ها تا "مرغ اهلی" امپریالیست ها!

مرگ نلسون ماندلا، در ساعات اولیه بامداد پنجم دسمبر در سن ۹۵ سالگی، در مرکز ثقل اخبار بین المللی قرار گرفته است. او از دهه ۶۰ میلادی به بعد به عنوان یکی از رهبران مبارزات انقلابی سیاهپوستان افریقای جنوبی و مظهر عدالتخواهی یک جنبش عظیم توده‌ای در سراسر دنیا شناخته شده است؛ شخصیتی که در مجموع، ۲۷ سال از عمر خود را به اعتبار نقش وی در "کنگره ملی افریقا" در مبارزه با امپریالیسم و رژیم آپارتاید در سیاهچالهای این رژیم به سر برد. با این حال از یک مقطع زمانی به بعد، او با جایگزین کردن سازش طبقاتی به جای مبارزه طبقاتی پس از آزادی از زندان، به سود دشمنان مردم افریقای جنوبی نقش ایفاء نمود.

واقعیت این است که با شدت گیری و گسترش مبارزات مسلحانه و بی امان توده های دلیر افریقای جنوبی، نه فقط علیه آپارتاید (تبعیض نژادی) بلکه علیه هر گونه ظلم و ستم و دست یابی به خواست های طبقاتی و به حق خود، وقتی این مبارزات دیگر برای دشمنان مردم غیر قابل کنترل گشت و حتی سرکوب های وحشیانه قادر به عقب نشاندن توده ها نشد، آن ها دست به تاکتیک های جدیدی زدند. اصلی ترین تاکتیک در شرایطی که دولت آپارتاید در مجامع بین المللی هم ایزوله شده بود آن بود که رئیس جمهور نژادپرست افریقای جنوبی (پی دبلیو بوت) خواستار آزادی زندانیان سیاسی سالخورده شد، به شرط آن که آن زندانیان سیاسی سالخورده بدون هیچ قید و شرطی، مبارزه مسلحانه یا به زعم دولت "خشونت سیاسی" را رد کنند. در برخورد به این تاکتیک، هر چند ماندلا تن به این شرط نداد ولی او خواستار مذاکره شد. در این بستر پس از آن که در سال ۱۹۸۹ "فردریک دی کلارک" جایگزین رئیس جمهور سابق شد، وی در فبروری سال ۱۹۹۰ آزادی ماندلا و لغو ممنوعیت "کنگره ملی افریقا" - بزرگترین تشکل چپ که رهبری بخشی از مبارزات توده ها را به پیش می برد، را اعلام نمود. ماندلا از زندان آزاد شد و از آن زمان به بعد او خواست های طبقاتی توده ها را که خود نیز قبلاً آن ها را بیان می کرد، کنار گذاشت و در نزد او مبارزه برای "آزادی" جایگزین همه آن خواست ها شد. در سال ۱۹۹۱ ماندلا در رأس "کنگره ملی افریقا" قرار گرفت و به مذاکرات علنی با حزب دی کلارک، رئیس جمهور وقت برای لغو آپارتاید پرداخت. به این ترتیب مسیر مبارزات کارگران و دیگر توده های سیاهپوست افریقای جنوبی که سال ها قهرمانانه برای رسیدن به خواست های طبقاتی خود و همچنین از بین بردن تبعیض نژادی با رژیم حاکم مبارزه کرده بودند، از مسیر اصلی خود منحرف شد. با این حال ثمره آن مبارزات در ماه مارچ سال ۱۹۹۲ به لغو آپارتاید (که حفظ آن دیگر عملاً برای طبقه حاکم امکان نداشت) در افریقای جنوبی منجر شد.

حاصل سازشکاری ماندلا نیز نه تنها دریافت جایزه نوبل، آن هم در کنار رئیس جمهور نژاد پرست افریقای جنوبی از سوی مجامع بورژوائی شد، بلکه او بعداً در جریان انتخاباتی، به ریاست جمهوری هم رسید.

ماندلا به مدت پنج سال (از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹) به عنوان رئیس جمهور در رأس هیأت حاکمه دولت ضد کارگری افریقای جنوبی به خدمت به نظام سرمایه داری حاکم بر این کشور پرداخت. او به عنوان فردی که سازش طبقاتی را به جای مبارزه طبقاتی نشانده بود، در سال های پایانی عمر گاه و بیگاه به عنوان نماینده دولت های سرمایه داری و سازمان ملل در این یا آن گره گاه و بحران امپریالیستی در افریقا و سایر نقاط جهان... نقش آفرینی می نمود.

در سوگ ماندلا رهبران قدرت های امپریالیستی و از جمله اوباما و کامرون سخنرانی های ستایش آمیز قهاری در باب تعهد او به روش های "مسالمت آمیز" مبارزه و "بخشش دشمنان" و نشان دادن "عشق و محبت به جای نفرت و خشم" ایراد کردند و در این فریبکاری ها کار به جایی رسید که اوباما که به خوبی از شدت خشم و نفرت توده ها و خلق های تحت ستم جهان نسبت به سیاست های جنایتکارانه و تجاوزکارانه آمریکا آگاه است، ادعا کرد همیشه سعی کرده از ماندلا و "افسانه ماندلا" بیاموزد. این اظهار نظرهای فریبکارانه و تلاش برای بهره برداری های عوامفریبانه از احساسات پاک مبارزاتی توده های ستمکش و خواستار آزادی از قید سرمایه داری و هر گونه ظلم و ستم، در وجه دیگر خود، نمایانگر قربانی ست که شخصیت و جایگاه سیاسی نلسون ماندلا در شرایط پیش از مرگ برای نمایندگان امپریالیسم پیدا کرده بود.

ماندلا در در طول نزدیک به یک قرن زندگی خود بر بستر تحولات بسیار بزرگ و عمیق تاریخی در افریقای جنوبی و در سطح جهان، به مثابه یک چهره سیاسی مطرح، نقش ایفاء کرد. در جریان چنین روند طولانی، او از یک مبارز رادیکال و چپ آزادیخواه و فعال در یک جنبش قهر آمیز و مسلحانه، به تدریج با سازشکاری با قدرت حاکم به آغوش امپریالیست ها افتاد. در این پروسه اگر چه در اثر مبارزات توده ای، سیستم نژادپرستانه حکومت اقلیت سفید پوست مورد حمایت امپریالیست ها یعنی آپارتاید لغو شد و این به مثابه یک پیروزی برای جنبش ستمدیدگان علیه استثمارگران حاکم می باشد، اما به دلیل کنترل این فرایند از بالا توسط امپریالیسم و ارتجاع به مدد سازشکاری های نلسون ماندلا و کنگره ملی افریقا که وارد بازی کسب قدرت سیاسی در چارچوب همین نظام ضد خلقی بودند، سیستم جبار سرمایه داری زالو صفت حاکم بر افریقا بر جای خود باقی ماند و حکومت سرمایه داران با تغییر چهره در نقش یک "حکومت آزاد" که گویا "حقوق برابر" اکثریت عظیم شهروندان سیاه پوست را به رسمیت شناخته، خود را بازسازی نمود.

همین سیستم طبقاتی ظاهراً مخالف "آپارتاید" در طول سال های بعد از آپارتاید همچون گذشته و حتی در بعضی موارد با قدرت بیشتری تسمه از گرده کارگران و زحمتکشان افریقای جنوبی کشید و قتل عام سال ۲۰۱۲ کارگران سیاه پوست معدن "ماریکانا" که تنها برای درخواست حقوق به حقشان به اعتصاب و تجمع دست زده بودند و طی آن نیروهای مسلح دولت در مقابل دوربین های تلویزیون، کارگران را به گلوله بستند، تنها یکی از جنایات گوناگون دولت حاکم سیاه پوست در جامعه افریقای جنوبی می باشد.

جایگاه تاریخی و زندگی نلسون ماندلا مثل هر پدیده دیگر تنها در پرتو تغییراتی که شخصیت وی در تحولات مهم افریقای جنوبی و جهان پیدا کرد قابل تبیین و قضاوت است و بر مبنای چنین حقیقتی ست که با بررسی زندگی وی می توان دید که نلسون ماندلای جوان و انقلابی چگونه از جایگاه یک "عقاب" بلند پرواز و شخصیت محبوب ستمدیدگان، به یک "مرغ اهلی" برای ستمگران و دشمنان مردم افریقا در زمان مرگ نزول کرد.

چریکهای فدائی خلق ایران

دسمبر ۲۰۱۳

